

بندر جز

جناب ناظم خراسانی و بواسطه اوشان

جناب آقا میرزا مهدی اخوان الصفا علیه بهاء الله الأبهی

هو الله

ای یار مهربان نامه اخیر در اسکندریه وصول یافت با وجود نهایت ضعف و نقاهت جواب مرقوم میگردد تا تلافی مافات شود در این سفر شب و روز مشغولیت بدرجهئی بود که ابداً فرصت تحریر نبود لهذا قصور حصول یافت حال با وجود نقاهت چون فرصتی هست لهذا بنگارش جواب پرداختم آن یار موافق همیشه در نظر بود و از اعتمادی که باو داشتم قلب مطمئن و نفس مستبشر بود فی الحقیقه زحمت زیادی کشیدی جانفشانی نمودی آرام نگرفتی همواره بی سر و سامان بودی نه راحت صبحگاهی و نه آسایش شبانگاهی با عبدالبهاء همعنان بودی جمال مبارک روحی لأحبائه الفداء ما را تربیت فرمودند و پرورش دادند که راحتی کنیم تا بنعمتی رسیم یا شادمانی کنیم یا کامرانی نمائیم در زندان ایام بسر بردند ما را تربیت فرمودند که از باده ناکامی سرمست گردیم و تحمل هر مشقتی نمائیم تا در طینت ما نیت صادقه خدمت بامر الله سرشته گردد و در جانفشانی بی اختیار گردیم دمی نیاسائیم و راحت نجوئیم حال الحمد لله تو موفقی و عبدالبهاء محروم

چگونه سر ز خجالت برآورم بر دوست

که خدمتی بسزا برنیامد از دستم

الحمد لله از سفر به مازندران نتایج حمیده حاصل شد و امیدوارم که روز بروز بهتر شود و این نار موقده الهیه شعله بیشتر زند جمیع یاران الهی را تحیت ابدع ابهی برسان و عذر مکاتیب منفرده بخواه زیرا نقاهت مزاج مانعست از طول سفر جسم را تحملی نمانده است دیروز و امروز احوال بهتر است با وجود این تحاریر مفصله ممتنع است اما تکلیف شما اینست که با رفیق طریق آقا میرزا حسن بسمت کرمانشاه سیر و حرکت نمائید زیرا مدتیست کسی بانجا نرفته چند نفوسی که بودند آنان نیز متفرق گشتند و بلغ تحیتی و ثنائی علی الرجل الرشید الشخص الجلیل نعمه ربک الجمیل و قل له ان اصحاب الکهف و الرقیم عباد فازوا بالفوز العظیم و آوا الی کهف رحمة ربک الکریم رقدوا عن الدنیا و استیقظوا بنفحات الله و التجؤوا الی ذلک الغار ملاذ الأبرار و ملجأ الأخیار شریعة ربک المختار و شمس الحقیقة تقرضهم ذات الیمین و ذات الشمال و اما خلق الجان من مارج من نار فهذا العنصر الثاری لا یراه الأبصار بل خفی عن الأنظار و ظاهر من حیث الآثار و حیث ان النفوس المستورة تحت الأستار سواء کانوا من الأبرار ام من الأشرار طینتهم من مارج من نار الی هی عنصر مخفی عن الأنظار ای امرهم مبهم و حقیقتهم مستورة عن اهل الآفاق و اما خلق الانسان من صلصال کالفخار اراد به النفوس المنجذبة بنفحات الله المشتعلة بنار محبة الله باطنهم عین ظاهرهم سرهم عین علانیتهم فیهم خلاصة الکائنات فالصلصال الصافی التراب هو خلاصة الحمای المسنون کثیر البرکات ینبت ریاحین معرفة الله و حدیقة اوراد محبة الله و اما الملائكة اولو اجنحة مثنی و ثلاث و رباع المراد من الأجنحة قوی التأيید و التوفیق لأن بها یتعارج الانسان الی اعلى معارج العرفان و یطیر الی بحبوحة جنة الرضوان بسرعة لا یخطر ببال الانسان و المراد من الملائكة الحقائق القدسیة الی استنبأت عن مواهب ربها و تنزهت عن النقائص و الرذائل و تقدست عن کل الشوائب و اکتسبت جمیع الفضائل و اطاعت ربها بجمیع الوسائل لا یسبقونه بالقول و هم بأمره یعملون و اما الازواج الموقت حرمة الله فی هذا الکور المقدس و منع النفوس عن الهوی حتی یرتدوا برداء التقوی و هو التنزیه و التقدیس بین الملا الاعلی و انی لاعتلال المزاج و تبلبل البال و تراکم الأشغال معذور فی اختصار الجواب لفقدان وقت

الاسهاب ولكنّ الايجاز الواضح خير من الاطناب الفاضح و من حضرة الفاضل السّماح الى ان يفتح الله ابواب الرّاحة على عبدالبهاء عند ذلك الجواب المفصّل و تشريح هذه المسائل لكلّ سائل محترم و عليك البهاء الأبهى

عبدالبهاء عباس

این سند از [کتابخانه مرجع بهایی](http://www.bahai.org/fa/legal) دانلود شده است. شما مجاز هستید از متن آن یا ترجمه به مقررات مندرج در سایت www.bahai.org/fa/legal استفاده نمایید.

آخرین ویراستاری: ۲۶ فوریه ۲۰۲۲، ساعت ۱:۰۰ بعد از ظهر